

پیشینه و مبانی تحزب در ایران و اسلام

○ علی مؤمنی راد

پژوهشگر و کارشناس ارشد علوم سیاسی

«وزارت کشور در دوره جدید، خط مشی توسعه سیاسی را که متخذ از برنامه توسعه همه‌جانبه، متوازن و پایدار رییس جمهور محترم است، سرلوحه اهداف خود قرار داده و برای رسیدن به آن استراتژی تعمیق ثبات و امنیت ملی از طریق تأمین حقوق و گسترش آزادی‌های عمومی در چارچوب قانون، را دنبال کرده است.» (جلد اول، ص ۱۷).

نفس اتخاذ چنین سیاستی از سوی وزارت کشور، مثبت ارزیابی می‌شود چرا که حکایت از گرایش مسؤولان اجرایی کشور به مبانی علمی حل مسایل اجتماعی دارد و نشان می‌دهد که ایشان به ایجاد پل ارتباطی بین دولت و دانشگاه، علاقه‌مند می‌باشند. حضور جمع کثیری از اساتید و پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی، طرح جدی مسأله تحزب و تأثیر آن بر وضعیت آینده جامعه‌مان، تأکید مقامات بلندپایه کشوری بر ضرورت ایجاد احزاب و شروع فعالیت‌های حزبی در چارچوب قانونی و در نهایت گرایش عمومی جامعه به سوی تحزب، همگی از جمله عواملی هستند که بر اهمیت موضوعی و محتوایی اثر حاضر دلالت دارند و ما را وامی‌دارند تا مجلدات سه‌گانه «تحزب» را به دقت مطالعه و ارزیابی کنیم. امید آنکه این مقاله در تبیین زوایای دیگر مقوله تحزب در ایران و عطف اذهان به ظرایف نظری و عملی «حزب» مؤثر باشد.

بخش اول: توصیف دیدگاه‌ها

تریلوژی تحزب، در مجموع، ۵۵ مقاله با حجمی بیش از هزار صفحه (وزیری) را شامل می‌شود که در ادامه به تفکیک عنوان هر کتاب معرفی می‌شوند.

کتاب اول: مبانی نظری و آموزه‌ها

این کتاب مشتمل بر نوزده مقاله است که در مجموع چهار محور اصلی را پوشش می‌دهند.

۱- تعریف تحزب و توسعه

بحث از مفاهیم و بیان تعاریف گوناگون «توسعه» و «تحزب»، محور مشترک کلیه مقالات این کتاب است که در مجموع حجم زیادی از اثر را نیز به خود اختصاص می‌دهد. باتوجه به آشنایی خوب نویسندگان مقالات با متون غربی، معمولاً تعاریف ارائه شده از اعتبار علمی برخوردار و در حد تبیین دیدگاه غربی موفق عمل کرده‌اند. در این میان، مقاله حسینعلی نوذری با عنوان «احزاب



مقدمه

«تحزب و توسعه سیاسی»، مجموعه مقالاتی است

که نخستین بار به همایشی با همین عنوان که از سوی دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور در سال ۱۳۷۸ برگزار شد، ارائه شده‌اند. این مقالات را انتشارات همشهری در سه مجلد جداگانه به چاپ رسانده و در مجموع اثر سه‌جلدی (تریلوژی) را به وجود آورده است که می‌تواند برای اساتید، پژوهشگران و مسؤولان سیاسی کشور مفید باشد.

هدف‌های اصلی همایش در «یادداشت» مفصلی که سیدمصطفی تاج‌زاده نگاشته و در ابتدای کتاب اول آمده است، به وضوح ذکر شده‌اند. چنان که از محتوای این «یادداشت» بر می‌آید، وزارت کشور باتوجه به شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه و سیاست کلان دولت برای تحقق شعار توسعه سیاسی پایدار، بر آن است تا «تحزب» را موضوع همایش مستقلی قرار دهد و از این طریق، ضمن استفاده از دیدگاه‌های کارشناسی موجود در جامعه علمی، زمینه مناسب توسعه را فراهم آورد.

چکیده

تحزب و توسعه سیاسی، مجموعه مقالاتی است در سه مجلد که نخستین بار در همایشی با همین عنوان ارائه شد. این همایش در ۱۳۷۸ از سوی دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور برگزار شد.

مجلد اول به مبانی نظری و آموزه‌های مربوط به تحزب، از جمله تعریف تحزب و توسعه، حزب‌شناسی، ارتباط تحزب با مقولات عمده سیاسی - اجتماعی و کارکرد احزاب می‌پردازد. مجلد دوم تاریخ تحول احزاب در ایران و موانع تحزب در ایران را بررسی می‌کند و مجلد سوم به بررسی اسلام و تحزب می‌پردازد.

این مجموعه کاستی‌هایی ندارد. از لحاظ روش اولاً نوعی یکسویه‌نگری بر آن حاکم است به این معنا که در میان پنجاه و پنج مقاله منتشر شده، حتی یک مقاله از دیدگاه مخالف به تحزب نپرداخته است. ثانیاً عمدتاً توصیفی است و در نتیجه فاقد راهکارهای عملی و نگرش انتقادی است. از لحاظ محتوا، در اکثر مقاله‌ها، مقدمه‌ها طولانی و نتیجه‌گیری‌ها اندک است. موضوعات به شکل پیچیده یا ناقص مطرح شده، و ضعف نوآوری و استدلال بر آن‌ها به چشم می‌خورد.

تحزب و توسعه سیاسی (مجموعه مقالات)

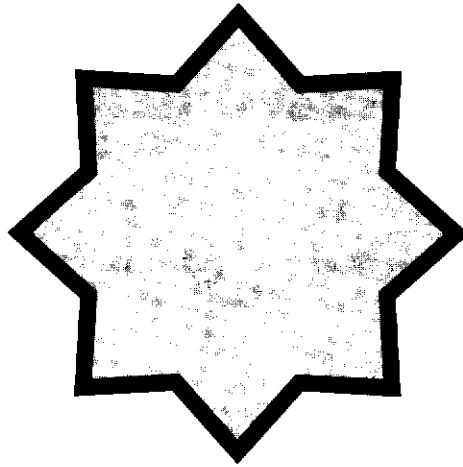
کتاب اول: مبانی نظری و آموزه‌ها

کتاب دوم: تحزب در ایران

کتاب سوم: اسلام و تحزب

همشهری

۱۳۷۸، ۳۰۰۰ نسخه



سیاسی و نظام‌های حزبی» کامل‌تر است. مؤلف در این مقاله از دو رویکرد هنجاری و توصیفی در تعریف حزب یاد کرده است. مطابق رویکرد نخست، احزاب سیاسی «جریاناتی در جستجوی یافتن برنامه‌ها، سیاست‌ها و خط مشی‌هایی تازه برای بیان آرمان‌های شهروندان و تحقق این آرمان‌ها» تعریف می‌شوند. (جلد اول، ص ۲۶۱).

حال آنکه در رویکرد توصیفی، فعالیت‌های عملی ملاک است و حزب چنین تعریف می‌شود:

«هر گروه سیاسی دارای یک عنوان رسمی که در انتخابات شرکت کرده و این امکان یا توانایی را دارد که از طریق انتخابات نامزدهای موردنظر خود را در رأس پست‌ها و مناصب عمومی جامعه قرار دهد.» (جلد اول، ص ۲۶۳)

سایر تعاریف ذکر شده در این کتاب، در ذیل یکی از دو تعریف فوق می‌گنجند.

۲- حزب‌شناسی

رویش حزب در غرب موجب شده تاریخ تحول حزب با تاریخ تحول سیاسی غرب ربط وثیقی بیابد به گونه‌ای که شناخت حزب بدون آشنایی با تحولات جامعه غربی میسر نیست. به همین دلیل تعدادی از مقالات به بررسی جوهره حزب چنانکه در غرب رخ نموده است، پرداخته‌اند. محمود عبادیان در «پشتوانه فکری و فلسفی حزب سیاسی در غرب» با رجوع به زمان روم باستان، از وجود دسته‌بندی‌هایی سخن گفته است که نطفه اولیه احزاب به شمار می‌آیند. البته در آن زمان حزب پدیده‌ای مثبت ارزیابی نمی‌شده و چنین گمان می‌رفته که احزاب، موجب زوال جمهوری روم شده‌اند. گذشته از این بحث تاریخی حزب به معنای امروزی در انگلستان شکل گرفته و از آنجا توسط اندیشمندان مختلف به فرانسه، آلمان، آمریکا و... تسری یافته است.

محمود عبدالله‌زاده، در «نگاهی به شکل‌گیری و سازمان احزاب سیاسی» روند تاریخی یاد شده را پی گرفته و با نگاهی به تاریخ تحولات «آمریکا» از زمان پیدایش اولین گونه‌های کلاسیک حزب در این دیار سخن به میان آورده است. او دو نوع حزب را از یکدیگر تمیز می‌دهد: حزب بامبدأ پارلمانی و حزب بدون مبدأ پارلمانی. حزب‌های گروه اول عملکرد ساده‌ای دارند، بدین معنا که «ابتدا» گروه‌های پارلمانی به وجود می‌آیند، سپس کمیته‌های انتخاباتی ظهور می‌کنند و سرانجام نوعی پیوند دایم میان گروه‌های پارلمانی و کمیته‌های انتخاباتی ایجاد می‌شود. (ج ۱، ص ۱۱۱) در مقابل این احزاب به اصطلاح «پارلمان‌زاده» احزابی را داریم که ریشه در بیرون پارلمان دارند و عملکرد و اصول عملی دیگری را از خود به جای می‌گذارند.

در مقاله «نظام‌های حزبی و نظام‌های انتخاباتی» محمد غفوری اقدام به ارائه تقسیم‌بندی دیگری از احزاب کرده است که در قیاس با طرح عبدالله‌زاده مفصل‌تر و

مقاله مصطفی یونسی باعنوان «پشتوانه فلسفی احزاب سیاسی در غرب معاصر: ویتگنشتاین و اشکال زندگی» است. مؤلف در ورای الفاظ و تعابیر مغلقی که آورده، می‌خواهد مطلب ساده‌ای را بیان کند و آن اینکه:

- احزاب صرفاً نباید به بیان خواست‌ها بسنده کنند، بلکه تجمیع منافع نیز از وظایف آنهاست.

- احزاب نوعی بازی با اصول خاص خود است که

کلیه بازیگران باید با آنها آشنا باشند.

- تصویر ما از حزب باید با تصویر ما از سیاست

همخوان باشد.

- انتخابات، ابزاری خوب برای نیل به اهدافی است

که احزاب به دنبال آنها هستند.

۳- نسبت حزب با سایر مقولات عمده سیاسی -

اجتماعی

پیدایش احزاب در زندگی سیاسی غرب، تحول عظیم و شگرفی بود که تغییرات بنیادینی را در جنبه‌های دیگر زندگی موجب شد. حزب به عنوان یک پدیده اساسی، با سایر پدیده‌ها و مقولات سیاسی و اجتماعی در ارتباط است و مهمترین وجه تأسیس احزاب که معمولاً از سوی ناظران خارجی به آن عطف توجه می‌شود، همین بخش است. لذا محققان به این بعد توجه ویژه‌ای مبذول می‌دارند که در اثر حاضر نیز شاهد همین حقیقت هستیم. در این مجلد نسبت‌های چهارگانه زیر بررسی شده است.

۳-۱- دولت و حزب

حجت‌الله ایوبی در «نقش دولت‌ها در تأمین هزینه‌های احزاب سیاسی» به بررسی یکی از مسایل جدی مربوط به احزاب در ایران - یعنی تأمین هزینه‌های آن‌ها به ویژه در رقابت‌های انتخاباتی - پرداخته است و کلید حل این مشکل را در مساعدت‌های دولتی می‌بیند. تجربه کشور فرانسه حکایت از آن دارد که دولت باید در این باره به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم ایفای نقش کند. تعیین سقفی برای هزینه‌های انتخاباتی، اعطای تسهیلات مادی (یارانه)، نظارت بر منابع درآمد احزاب و... از جمله راهکارهایی است که مؤلف در پایان به دولت‌مردان ایرانی پیشنهاد می‌کند.

۳-۲- مردم سالاری و حزب

حزب، مایه تقویت حضور گسترده مردم در صحنه فعالیت‌های سیاسی می‌شود و بدین ترتیب مشروعیت نظام نیز افزایش می‌یابد. شاید هیچ موضوعی به اندازه «مردم سالاری» در این مجموعه مورد تأکید نویسندگان قرار نگرفته باشد، به گونه‌ای که سه مقاله به‌طور مستقل به بررسی این موضوع اختصاص یافته است.

ادعای محمد غفوری آن است که حاکمان برای صیانت از ثبات سیاسی کشور و تأمین امنیت از روش‌های مختلفی می‌توانند استفاده کنند که در این میان - مطابق تجربه تاریخی موفق سایر ملل پیشرفته - «کسب رضایت عامه مردم» بهترین روش است. برای این منظور، نظام سیاسی باید اصل «مردم‌سالاری» را گردن نهد و راه

در ارزیابی انتقادی پدیده حزب،

کاهش برابری و توزیع نامتعادل

امکانات مدنی، خلط مباحث فنی با

جناح‌بندی‌های سیاسی،

نفی شایسته سالاری و

خداشه‌دار شدن وحدت ملی،

از جمله پیامدهای منفی فعالیت احزاب

شمرده شده است

جامع‌تر می‌نماید. او از چهار دسته «احزاب یگانه، مسلط، دوگانه و چندگانه» سخن به میان آورده است. احزاب فالانژ، نازی‌ها، فاشیست‌ها و کمونیست‌ها نمونه‌های بارز گروه اولند. در گونه دوم، نظامی را شاهدیم که یک حزب قدرت زیادی دارد و سایر احزاب در کنار آن به فعالیت مشغولند؛ همانند حزب استقلال هند، نظام دو حزبی در آمریکا و انگلیس و نظام چند حزبی در اکثر کشورهای اروپایی. تکمله این بحث را می‌توان در مقاله حسینعلی نودری دید، آنجا که مؤلف به نقل نظرات اندیشه‌گران بنامی چون دورژیه، یاندا، ریگر، رز و آروین پرداخته که بسیار مفید است. احزاب توده‌ای، صنفی، فدایی، معطوف به رهبری، معطوف به اعضا، دموکرات، جمهوریخواه، مختلط، سوسیالیست و... از جمله گونه‌های حزبی‌اند که مؤلف، به تناسب شخصیت مورد بحث، معرفی کرده است.

سیدمصطفی میرسلیم در «زندگی سیاسی - احزاب سیاسی» از منظر دیگری به شناخت گونه‌های احزاب پرداخته و به بیان سه‌گونه «حزب رسمی» (که اساسنامه، مرامنامه و مجوز فعالیت دارد)، حزب غیررسمی (تشکل‌های پنهان) و احزاب دولتی (فرمایشی) بسنده کرده است.

آخرین مقاله‌ای که در این موضوع تألیف شده،



را برای مشارکت سالم مردم بگشاید که این امر به معنای فراهم آوردن بستری مناسب برای ظهور احزاب مختلف در جامعه است. (ج ۱، ص ۱۴۶)

همین مفهوم را علی اصغر کاظمی در مقاله مختصر «تأثیر آگاهی سیاسی بر مشارکت سیاسی» با تأکید بر عنصر آگاهی سیاسی آورده است. او بر این باور است که مشارکت معنادار منوط به وجود «آگاهی سیاسی» نزد کلیه شهروندان است و این امر میسر نمی‌شود، مگر با تأسیس احزاب سیاسی. (ج ۱، ص ۲۱۰)

محمدجواد لاریجانی نیز با قبول اصل مردم‌سالاری و ضرورت پیدایش احزاب سیاسی در کشور، در مقاله «حزب: توسعه سیاسی و شهروندی» نگرشی انتقادی اتخاذ می‌کند و اظهار می‌دارد که باید در معنای دقیق مردم‌سالاری و فعالیت حزبی تأمل کرد:

«همه مردم نمی‌توانند جزء حزب باشند و در حزب تشکل پیدا کنند. اصلاً تئوری حزب، این نیست... اتفاقاً عضو حزب بودن باید مختص به کسانی باشد که وقت خوبی صرف آن می‌کنند. مردم باید از تلاش‌های احزاب استفاده کنند. اگر این طوری بود، مردم همه کارگزار دولت می‌شدند.» (ج ۱، ص ۲۱۵).

نسرین مصفا نیز در «احزاب سیاسی، نقش و اهمیت زنان از دیدگاه جنسیتی» چنان که از عنوان مقاله بر می‌آید، بر بعدی خاص از مردم‌سالاری تأکید دارد. به نظر او، زنان به مثابه جمعیتی قابل توجه از جامعه ایرانی، می‌توانند - و باید - به تشکیل حزب و انتقال خواسته‌هایشان از طریق آن اقدام کنند.

۳-۳. توسعه سیاسی و تحزب

نسبت بین توسعه سیاسی و تحزب از سایر مقولات روشن‌تر است و چنانکه بیشتر نویسندگان اظهار داشته‌اند، تحزب شاخص خوبی برای میزان توسعه‌نیافتگی سیاسی به حساب می‌آید. این معنا اگرچه مفروض تعداد زیادی از مقالات را شکل می‌دهد، اما در مقاله حمیدرضا رحمانی‌زاده «دهکردی باعنوان «دیدگاه‌های مختلف درباره توسعه نیافتگی سیاسی» به موضوع اصلی تبدیل شده است. وی ضمن پرداختن به معنای حقیقی توسعه‌نیافتگی، این پدیده را از جنبه‌های فرهنگی، اقتصاد سیاسی، حقوق عمومی و در نهایت جامعه‌شناسی سیاسی بررسی می‌کند. نتیجه‌ای که از این پژوهش‌ها حاصل می‌آید، آن است که مقابله با یک‌نازای قدرت‌های خودکامه، محور مشترکی است که در نظرات ارایه شده از سوی اندیشه‌گران وابسته به نحله‌های متنوع پژوهشی در زمینه مبارزه با توسعه‌نیافتگی وجود دارد. بنابراین، توسعه سیاسی ضرورتاً با وجود احزاب - که بهترین نشانه برخورد با قدرت‌های یک‌نازند - معنا می‌یابد.

رسول نمرورز، در «نقش تحزب در توسعه سیاسی: موانع و راهکارها» ضمن تأیید دیدگاه بالا، به بیان تفصیلی دیدگاه عده‌ای از اندیشه‌گران به نام حوزه سیاست

بیان تقسیم‌بندی آلموند و وربا از فرهنگ سیاسی (مشارکتی، تبعی و محدود)، چنین بیان می‌دارد که بهترین نحوه بیان خواسته‌ها، در بستر فرهنگ مشارکتی و با تأسیس احزاب سیاسی صورت می‌پذیرد.

۴. کارکرد احزاب

چهارمین محوری که مورد توجه مؤلفان مقالات این اثر قرار گرفته، ارزیابی نتیجه عملکرد احزاب در جامعه‌های گوناگون است. روح حاکم بر بیشتر مقاله‌ها حکایت از همراهی و ارزیابی مثبت مؤلفان از نتیجه عملی حضور احزاب در جامعه دارد، که در قالب این عنوان‌ها آمده است: «تربیت انسان‌های سیاسی» (ج ۱، ص ۳۸)، تأمین منافع اعضا (ج ۱، ص ۳۸)، تلاش برای حفظ منافع عمومی (ج ۱، ص ۳۸)، سلامت روند تصمیم‌سازی (ج ۱، ص ۴۳)، نهادینه‌سازی مشارکت توده مردم (ج ۱، ص ۴۲)، حاکمیت شایسته سالاری (ج ۱، ص ۴۵)، اعمال نظارت و جلوگیری از فساد (ج ۱، ص ۴۶)، انتقال مسالمت‌آمیز قدرت (ج ۱، ص ۸۱)، افزایش مشارکت (ج ۱، ص ۱۹۰)، رضایتمندی اکثریت (ج ۱، ص ۱۹۵)، آگاهی‌بخشی عمومی (ج، ص ۲۱۰). با این حال، می‌توان به چند مقاله مشخص نیز اشاره داشت که به طور مستقل به این موضوع پرداخته‌اند.

مقاله «نظریه و عمل در اصول ثابت توسعه سیاسی» اثر محمود سریع‌القلم، به بررسی موردی دستاورد کشورهای جهان سومی در فردای فروپاشی شوروی پرداخته است. در این مقاله که گزارش گونه‌ای از پروژه‌ای مفصل است، مؤلف به این نتیجه رسیده است که:

اینده توسعه سیاسی در کره جنوبی و چین مبهم، در خاورمیانه مأیوس‌کننده، در روسیه امیدوارکننده، در امریکای لاتین همراه با مشکلاتی چند، و بالاخره در شرق اروپا دارای شرایط مساعد و امیدوارکننده‌ای است. احمد نقیب‌زاده نیز در «تجربه حزب در جهان سوم» به ذکر مشکلات پنجگانه‌ای پرداخته است که فرایند تحزب در جهان سوم با آنها روبه‌روست. موانع فوق حکایت از تجربه نیمه موفق کشورهای جهان سومی از پیمودن این طریق دارد. وجود جامعه‌ای توده‌وار، ساختار قبیله‌ای و اجتماعی، ضعف نخبگان سیاسی، شخصی شدن قدرت و ضعف فرهنگ سیاسی، موانعی است که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است.

در همین زمینه، لازم است به مقاله محمد غفوری اشاره‌ای داشته باشیم که برخلاف روح حاکم بر سایر مقاله‌ها، به ارزیابی انتقادی پدیده تحزب پرداخته و به شکلی هرچند مختصر، آثار منفی حزبی شدن رفتارها را برشمرده است. کاهش برابری و توزیع نادرست امکانات مدنی، خدشه‌دار شدن وحدت ملی، خلط مباحث فنی با موضوعات سیاسی و نفی شایسته‌سالاری (ج ۱، ص ۱۵۵) پیامدهای منفی است که در این مقاله به آنها اشاره شده است.

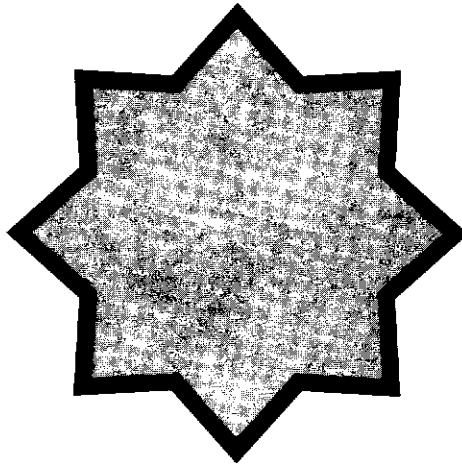
در مجموع این مسأله که تحزب یکی از شاخص‌های

تربیت انسان‌های سیاسی، سلامت روند تصمیم‌سازی، نهادینه کردن مشارکت مردم، شایسته سالاری، جلوگیری از فساد، انتقال مسالمت‌آمیز قدرت و رضایتمندی اکثریت از جمله کارکردهایی است که اندیشمندان برای احزاب سیاسی برشمرده‌اند

و جامعه‌شناسی می‌پردازد که همگی بر محور بودن «احزاب» در فرایند توسعه سیاسی تأکید دارند. از جمله افرادی که در این مقاله به نظرهایشان توجه شده، می‌توان به ماکس وبر، گادامر، هابرماس و آلتوسر اشاره داشت. نویسندگان در پایان به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استناد می‌کنند و نشان می‌دهند که همین نگرش نزد واضعان قانون اساسی ما نیز به نحوی مورد قبول بوده و اجازه ظهور یافته است.

۳-۴. تحزب و فرهنگ سیاسی

این واقعیت که تغییر در آموزه‌ها و رفتارهای فرهنگی، مبنای هرگونه تحول معنادار در حوزه روابط اجتماعی - سیاسی است، موضوع دو مقاله «تحزب، جامعه مدنی و بیان منافع در قالب قدرت» به قلم کاکب خبیری و «فرایند کثرت‌گرایی؛ احزاب و مشارکت با نگره دیوید اپتر»، به قلم ناصر فرشادگهر قرار گرفته است. مقاله اخیر را باید بحثی تحلیلی در لایه‌های زیرین فرهنگ سیاسی به حساب آورد که مؤلف در آن از چگونگی پیدایش و ظهور احزاب از درون فرهنگ‌های گوناگون سخن می‌گوید. فرشادگهر ضمن کالبد شکافی اصل تکثرگرایی، به ترسیم حالات مختلفی می‌پردازد که جامعه در نتیجه تکثر و رقابت ممکن است در آن گرفتار آید. مدعای خبیری به مراتب محدودتر است. وی ضمن



اصلی توسعه سیاسی به شمار می‌آید، در مجلد نخست به خوبی تبیین و زوایای مختلف آن تشریح شده است. نتیجه استدلال‌های مختلفی که در مقالات حاضر آمده، آن است که ایران نیز برای بهبود سطح توسعه سیاسی خود باید به الگوی حزبی از فعالیت سیاسی تن در دهد. در اینجاست که پرسش مهم دیگری مطرح می‌شود و آن اینکه آیا جمهوری اسلامی ایران باید الگوی تحزب غربی را به شکل موجود پذیرا شود و یا اینکه باید در پی بومی‌سازی آن باشد؟ پرسش مهمی که در کتاب دوم این مجموعه به بحث گذارده شده است.

کتاب دوم: تحزب در ایران

بیست و دو مقاله گردآوری شده در کتاب دوم، به‌رغم تعدد عنوان، از حیث محتوایی در مقام بیان و تشریح دو مطلب عمده‌اند که در مقایسه با کتاب اول بسیار اندک می‌نماید: ۱- تاریخ تحول احزاب در ایران ۲- موانع تحزب در ایران

۱- تاریخ تحول احزاب در ایران

دلمشغولی نسبت به بعد تاریخی تکوین و توسعه احزاب در ایران، حجم زیادی از اثر حاضر را به خود اختصاص داده است. این مطلب از رویکردهای مختلفی تبیین شده که اگرچه در مقام استدلال، روش‌های متفاوتی را پیشه ساخته‌اند، اما در نهایت به نتیجه واحدی می‌رسند. سه رویکرد عمده در بررسی تاریخ تحول احزاب در ایران در این اثر مشاهده می‌شود:

۱-۱- رویکرد مبتنی بر تحلیل گفتمان‌ها

محمدرضا تاجیک در «تحزب، تمایز و تصلب: تجربه بازی سیاسی در میان ایرانیان»، از منظر دیرینه‌شناسی به یک سده حضور حزب در ایران نگریسته و هشت دوره مشخص تاریخی را در این زمینه از یکدیگر تمیز داده است: دوران مشروطیت، دوران پهلوی اول، دوران دموکراسی ناقص، دوران دوم پهلوی دوم (۳۹-۳۲)، دوران سوم پهلوی دوم (۵۷-۴۰)، دوران انقلاب اسلامی، دوران تثبیت نظام اسلامی و سرانجام دوران پس از دوم خرداد. او در ادامه به تشریح و ارزیابی مفصل دوران نخست همت گمارده، مبارزه سه نوع گفتمان «دگرطلب»، «اسلام‌گرا» و «تخلیط‌گرا» را به مثابه عامل مؤثری بر روند تحزب در جامعه مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱-۲- رویکرد مبتنی بر تحلیل حوادث تاریخی

این رویکرد، بیشترین توجه را از سوی نویسندگان مقالات به خود اختصاص داده است، به گونه‌ای که حداقل چهار مقاله را می‌توان سراغ گرفت که بر این مبنای تحریر شده است. ناصر تکمیل همایون در «نگاهی به چگونگی شکل‌گیری حزب‌ها و سازمان‌های سیاسی در ایران»، احمد عرب عامری در «پیشینه تاریخی سرشت و خاستگاه

ذکر عناوین احزاب مختلف در هر دوره، حجم قابل توجهی از اطلاعات را به طور مختصر در اختیار خواننده می‌گذارد. اصغر صلامی در مقاله خود، در مقام بیان سیر تحول احزاب دولتی در ایران است. فلسفه وجودی این احزاب و نحوه ارتباط آنها با دولت، ساواک، وزیران، مجلس و همچنین ساختار سازمانی و اداری آنها از جمله موضوعاتی است که به طور مفصل در این مقاله که چکیده‌ای از یک کتاب با همین عنوان به قلم مؤلف مقاله است، آمده است.

۱-۳- رویکرد مبتنی بر ارزیابی عملکردها

بحث از اینکه تحزب، گذشته از فراز و نشیب‌هایی که در ایران داشته، هم اکنون در چه وضعیتی قرار دارد و چشم انداز آتی آن چگونه است، موضوع محوری مقالات سهراب رزاقی، رجبعلی اخترشهر و محمدعلی صنیعی منفرد است. در این مقالات با توجه به عملکرد احزاب سعی شده تا آینده فعالیت آنها در جامعه پیش‌بینی شود در مقاله «چشم انداز تخریب و توسعه سیاسی در ایران اسلامی»، مؤلف ضمن اشاره به دوران بیست ساله پس از انقلاب و توجه به عوامل مهمی چون تحول فکری نیروهای اپوزیسیون و نیروهای درون نظام، زوال جامعه توده‌ای و شکل‌گیری جامعه مدنی، به این نتیجه می‌رسد که سیر تحول احزاب مثبت بوده، با همین روند آینده روشنی خواهند داشت. در مقاله «تحزب، توسعه سیاسی و دینامیک همگرایی»، مؤلف ضمن تحلیل دو مؤلفه جمهوریت و اسلامیت در جمهوری اسلامی ایران، شکل‌گیری زمینه مناسب برای عملکرد احزاب در آینده را منوط به توفیق نظام و جامعه در ایجاد همگرایی بین این دو اصل می‌داند. در مقاله «فرهنگ سیاسی، مشارکت سیاسی و تحزب در ایران اسلامی» مؤلف با اشاره به اهمیت مشارکت سیاسی و زمینه قانونی آن، نتیجه می‌گیرد که فرهنگ اسلامی به منزله مبنای عملکرد نظام در ایران دارای قابلیت‌هایی است که همگی به مشارکت دامن می‌زنند. بنابراین در این فرهنگ مشارکتی، احزاب اجازه رشد و فعالیت خواهند داشت.

۲- موانع تحزب در ایران

بحث از موانع از جمله موضوعاتی است که به رغم سابقه پژوهشی دیرینه‌ای که در جامعه علمی ما دارد، از سوی مؤلفان بسیاری در کتاب حاضر مورد توجه قرار گرفته است. اختصاص چهار مقاله که همگی (جز مقاله سیدمصطفی تاج‌زاده) به تکرار مطالب پیشین پرداخته‌اند، مؤید ادعای ماست. در مجموع سه مانع عمده در این مقالات مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۱- نخبگان ناسلام

علیرضا زغندی در «خلقیات نخبگان سیاسی، عامل ناکارآمدی احزاب در ایران»، چنان که از عنوان مقاله نیز برمی‌آید، با تأکید بر عواملی مانند «قانون‌گریزی»، «بی‌اعتنایی به فرهنگ مشارکتی»، «داشتن ذهنیت توطئه‌گرا»، تقلیدگرایی افراطی و انقیادطلبی، به آنجا

در میان نخبگان جامعه ما،

عواملی مانند قانون‌گریزی،

بی‌اعتنایی به فرهنگ مشارکتی،

تقلیدگرایی افراطی، انقیادطلبی،

ناتوانی از درک مقتضیات زمان و

نداشتن رابطه سالم و مستقیم

با جامعه موجب شکست فرآیند تحزب

بوده است

احزاب در ایران» و عبدالرضا فاضلی در «مشارکت سیاسی و احزاب: جنبه‌های نظری و پیشینه در ایران» به بررسی وضعیت کلیه احزاب در بستر تاریخ تحولات ایران پرداخته‌اند و اصغر صلامی شهباب در «تشکیل احزاب دولتی و بررسی نقش آنها در تاریخ معاصر» فقط به بررسی گونه‌های خاص از احزاب - که همان احزاب دولتی است - عطف توجه نموده است. در مقاله اول، از زمان آشنایی ایرانیان با مقوله حزب سخن به میان آمده که به نظر تکمیل همایون به زمان حکومت ناصرالدین شاه بر می‌گردد. عرب عامری با نگرشی تبارشناسانه به ریشه‌های تاریخی حزب در تاریخ کهن ایران اشاره می‌کند و پس از آن می‌افزاید که شکل جدید حزب در ایران را باید در فردای جنگ جهانی دوم جستجو کرد. در این دوران است که حرکت‌های اسلامی، ناسیونالیستی و کمونیستی در قالب حزب، به معنای واقعی آن به فعالیت می‌پردازند. فاضلی، در مقاله خود، چشم‌انداز تاریخی مسأله را گسترده‌تر می‌کند و از وضعیت احزاب در چند دوره قبل از اسلام (مانویان، مزدکیان و زروانیان)، بعد از ظهور اسلام تا مشروطه، از مشروطه تا کودتای رضاشاه (که بیش از شانزده حزب فعال می‌شود)، از کودتای رضا شاه تا کودتای ۲۸ مرداد (که رشد احزاب بی‌نظیر است، از آن زمان تا انقلاب اسلامی (که دوره احزاب فرمایشی است) و از انقلاب اسلامی به بعد سخن می‌گوید. این مقاله با



می‌رسد که سهم زیادی از شکست در تجربه حزب، به عهدهٔ نخبگان جامعه ماست.

حاجم قادری در «نخبگان سیاسی، تربیت سیاسی و حزب در ایران»، ضمن اشاره به ضعف پژوهش‌های مربوط به نخبگان در ایران، «فرزند زمان خویش نبودن» «نداشتن رابطه سالم و مستقیم با جامعه»، «نداشتن تربیت سیاسی صحیح و قوی» و «استبداد منشی» نخبگان را از عوامل مهم ناکارآمدی آنان و شکست فرآیند حزب دانسته است.

۲-۲. فرهنگ سیاسی ناکارآمد توده مردم

این گروه از نویسندگان بیشتر به بدنه هرم اجتماعی توجه دارند و معتقدند که گرایش‌های فرهنگی توده مردم ناکارآمد است و تحمل حزب را ندارد. عزیزالله رجیبی در «فرهنگ سیاسی، مشارکت سیاسی و حزب در ایران اسلامی»، انقیادطلبی مردم و تأکید بیش از حد بر تکلیف، به جای حق را مانع اصلی در حزب می‌داند. ج. مهدی قاسمی در «فرهنگ و مشارکت سیاسی در ایران»، راز معمای ناکامی سیاسی ایران را در درک نکردن این مطلب می‌داند که ماز حیث فرهنگی به بومی‌سازی پدیده‌ها عادت نکرده‌ایم و در نتیجه تقلیدهای نابجا ما را دچار شکست می‌سازد. در حزب نیز دوباره همین اشتباه را تکرار کرده‌ایم. علیرضا قاضی‌زاده در «زندگی سیاسی - احزاب سیاسی» از موانع فرهنگی‌ای چون «فراط‌گرایی»، تقدیرگرایی و خرافه‌گرایی یاد کرده است که کم و بیش برای خوانند آشنایند. حسین نوربخش در مقاله خود با عنوان «مشارکت سیاسی و حزب در ایران اسلامی»، حاکمیت گفتمان آمریت، فقدان تساهل، خشونت‌ورزی و سیاست‌گریزی را موانع عمده دانسته، که بیان دیگری است از آنچه در سایر مقالات نیز کم و بیش آمده‌اند. صادق زبیکلام نیز از استبدادطلبی به مثابه عامل اصلی یاد کرده که از عنوان مقاله او یعنی «استبداد مانع تاریخی حزب در ایران» به خوبی درک می‌شود. غلامعباس توسلی با نگرشی جامعه‌شناسانه به این موضوع نگرینسته، بحث از بنیان مشروعیت را در فرهنگ سیاسی ایرانیان پی‌گیری کرده و بر آن است که تکیه بر عامل زور، مانعی جدی در برابر رشد حزب بوجود می‌آورد. «ضرورت توسعه احزاب سیاسی مستقل در جمهوری اسلامی ایران»، عنوان مقاله توسلی است که از موضوع یادشده به تفصیل در آن سخن رفته است.

۲-۳. موانع حقوقی

از منظر نویسندگان این گروه، ساختار حقوقی روابط اجتماعی در جامعه ما به گونه‌ای بوده که به حزب‌ها اجازه رشد نداده است. محمدرضا دولت‌رفتنار حقیقی این ادعا را به شکل کلی در مقاله «بررسی حقوقی تشکیل و فعالیت احزاب سیاسی در ایران» آورده است. اختلاف بین قانونگذار و مجری در این زمینه، مهم‌ترین اشکال حقوقی است که ما در ایران با آن مواجه هستیم. دولت رفتار در ادامه به پاره‌ای از اختلافاتی که در زمینه نحوه

گذشته از مقالات فوق می‌توان به سه مقاله «بررسی علل ناسازگاری نظام سیاسی ایران با توسعه احزاب سیاسی» به قلم محمد توحید فام، «حزب و توسعه: بررسی موانع حزب در ایران» به قلم نبی‌الله قربانی و «موانع تکوین احزاب سیاسی در ایران» به قلم محسن مدیر شانه‌چی اشاره داشت که در آنها مؤلفان با این موضوع به صورت عام برخورد کرده، ترکیبی از موانع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی با رویکرد داخلی و خارجی را برای رشد نیافتن احزاب در ایران برشمرده‌اند. بیشتر محورهای مورد نظر در این مقالات به طور موردی در مقاله‌هایی که پیش از این ذکرشان رفت، آمده‌اند و نیازی به تکرار و معرفی آنها نیست.

کتاب سوم: اسلام و حزب

در این کتاب، چهارده مقاله گردآوری شده که هدف اصلی مؤلفان آن، تبیین مبانی فقهی و کلامی حزب در اسلام است. در این میان به جز محمد مجتهد شبستری که به طور کلی طرح چنین پرسشی را صحیح نمی‌داند و در «امتناع مبانی فقهی و کلامی در حزب» صراحتاً آورده است:

«نمی‌توان برای مسأله حزب در کشور، مبانی فقهی و کلامی بیان کرد، چرا که مسأله حزب یک مسأله عقلانی است و در داخل نظام‌های معینی می‌تواند به وجود بیاید و در داخل هر نظامی نمی‌تواند ایجاد شود... حزب تنها در نظام‌های دموکراتیک معنا دارد.» (ج ۳، ص ۱۳۳).

سایر مؤلفان با مفروض پنداشتن امکان ارائه مبانی فقهی و کلامی برای حزب، به طرح و بررسی چنین مباحثی پرداخته‌اند. در مجموع، چهار استدلال اصلی محور مقالات این مجلد را شکل می‌دهد. استدلال اول: حزب برای نظام سیاسی مفید است، پس اسلام نیز آن را تأیید می‌کند.

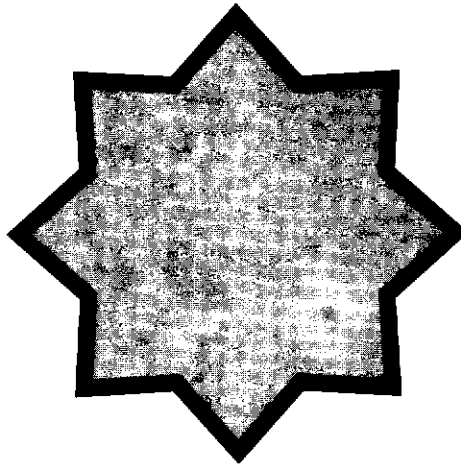
سیدمحمد ثقفی در «حزب و احزاب در مبانی فرهنگ اسلامی»، ضمن اشاره به آثار مثبت ناشی از حضور حزب و جامعه - که در کتاب اول و دوم به پاره‌ای از آنها اشاره شد، نتیجه می‌گیرد که تأسیس این نهاد دارای مؤیدات شرعی است. در همین راستا، مؤلف به سیره نبوی و ائمه اطهار استناد کرده از جماعتی مانند حلف الفضول، عقبه اول و یا دسته‌بندی‌های پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) به مثابه مؤیدات تاریخی این حکم یاد می‌کند.

سیدعبدالقویم سجادی، با قدری احتیاط، در مقاله «مبانی فقهی حزب در اسلام»، پیش‌شرط دیگری را برای تأیید فقهی حزب بیان می‌دارد و آن اینکه، حزب به مثابه یک پدیده مفید، لازم است منع شرعی هم نداشته باشد، در آن صورت است که می‌توان گفت تأسیس احزاب از سوی شارع مجاز دانسته شده است. البته او بر این باور است که در این زمینه منع شرعی وجود ندارد. بنابراین، حزب پدیده‌ای دینی و شرعی است. این احتیاط‌اندیشی در دو مقاله «جامعه مدنی، بینش

شکل جدید حزب در ایران را باید در فردای جنگ جهانی دوم یعنی دوره‌ای که حرکت‌های اسلامی، ناسیونالیستی و کمونیستی در قالب حزب شکل می‌گیرد، جستجو کرد

تأسیس، اخذ مجوز و صدور پروانه برای احزاب وجود دارد به صورت مصداقی اشاره می‌کند. محسن خلیلی در «بررسی مقایسه‌ای آزادی‌های سازمان پیوندی و گروه‌بندی در قانون اساسی و قانون عادی جمهوری اسلامی ایران»، پس از تعریف دو عنوان آزادی سازمان پیوندی (آزادی شهروندان برای پیوستن به گروه، حزب و سازمان مورد علاقه‌شان) و آزادی گروه‌بندی (آزادی شهروندان در تأسیس گروه مورد علاقه‌شان با هم‌سنگان خود) به سراغ قانون اساسی می‌رود و نتیجه می‌گیرد که این دو نوع آزادی در قانون اساسی و قانون عادی جمهوری اسلامی ایران به تأیید رسیده است و بی‌توجهی به این امر منجر به تحدید فعالیت احزاب در ایران شده است.

در تکمیل نگرش حقوقی بالا، مقاله سیدمصطفی تاج‌زاده را داریم که در جایگاه یک مسؤل اجرایی با انگشت نهادن بر مشکل عدم تحدید مفهوم و مصداق «جرم سیاسی»، در واقع یکی از مسایل روز جامعه را به بحث گذارده است. تاج‌زاده در این مقاله مدعی شده که به رغم تصریح اصل ۱۶۸ قانون اساسی که قانونگذار را به انجام این مهم موظف ساخته این کار از سوی قانونگذار صورت نپذیرفته است و این مشکل، بین آزادی احزاب و قانون تعارضی به وجود آورده و موجب کاهش امنیت احزاب برای فعالیت و عدم رشد شایسته آنهاست.



ایران به مثابه قانونی که مبتنی بر اصول اسلامی است و از سوی مسلمانان آگاه وضع شده، تحزب را تأیید می‌کند.

عباسعلی عمید زنجانی در «احزاب از منظر قانون اساسی و سایر مقررات حاکم» با تحلیل اصولی چند از قانون اساسی، نشان می‌دهد که این پدیده در چارچوب ارزش‌های اسلامی و قانون اساسی پذیرفته شده است. بنابراین، تحزب پدیده‌ای شرعی تلقی می‌شود. فریدون وردی‌نژاد نیز در «نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه و تحزب» ضمن تحلیل اصول مربوط به اداره مملکت و نحوه این کار در جمهوری اسلامی ایران، که مبتنی بر اصل ولایت فقیه است، نشان می‌دهد که این دو در قانون اساسی با همدیگر جمع شده‌اند. در نتیجه، هر دو مصداقی از اسلامی و جمهوری بودن، نظام مشروع و مورد تأییدند.

بخش دوم: نقد و بررسی

هریک از مقالات موجود در این اثر سه جلدی می‌تواند موضوع بررسی انتقادی مستقلی قرار گیرد که البته نوشتار حاضر داعیه آن را ندارد. بنابراین، در ادامه به طرح و بررسی کاستی‌هایی می‌پردازیم که جنبه عمومی‌تری دارند.

الف - نقد روش

چنانکه از یادداشت سیدمصطفی تاج‌زاده در ابتدای کتاب اول بر می‌آید، هدف اصلی برگزاری همایش «تحزب و توسعه سیاسی» که مقالات آن در این مجموعه سه جلدی گردآوری شده‌اند، تغذیه علمی نظام اجرایی از سوی استادان و پژوهشگران و در نهایت بهره‌مندی از دیدگاه‌های آنان برای حل مسایل کشور و غلبه بر شکاف تاریخی دولت - ملت است. (ج ۱، ص ۱۸). این هدف بسیار عالی و شایان توجه می‌نماید، اما چنین به نظر می‌رسد که اثر حاضر در تحقق آن چندان کامیاب نیست. علت این امر را می‌توان در روش تحلیل و برگزاری همایش‌های تحلیلی از این دست جستجو کرد.

۱- حاکمیت نوعی یکسویه‌نگری

بدین معنا که در میان پنجاه و پنج مقاله منتشر شده، حتی یک مقاله را نمی‌توان سراغ گرفت که از دیدگاه «مخالف» به مسأله تحزب نگریسته و برای حل معضل توسعه در ایران، طرح بدیلی ارائه کرده باشد. البته صرف وجود اجماع در میان پژوهشگران حاضر، مایه امیدواری است و حکایت از آن دارد که اکثریت جامعه علمی با دیدی مثبت به پدیده تحزب در ایران نگاه می‌کنند. اما باید بدانیم که کشف حقیقت و اخذ راهبرد مناسب فقط در صورتی امکان دارد که دیدگاه‌های مختلف اجازه ظهور بیابند و سپس برای آسیب‌ها و موانع احتمالی چاره‌ای از پیش اندیشیده شود. طرح نشدن دیدگاه مخالف تحزب در مجموعه حاضر، از جمله کاستی‌های عمده‌ای است که از نظر علمی غیرقابل توجیه است. به عبارت دیگر، روش برگزاری این همایش نمی‌تواند برای موردی‌های مشابه توصیه شود. همایش‌ها و نشست‌های

در میان پنجاه و پنج مقاله منتشر شده حتی یک مقاله را نمی‌توان سراغ گرفت که از دیدگاه «مخالف»

به مسأله تحزب نگریسته و برای حل معضل توسعه در ایران طرح بدیلی ارائه کرده باشد

یا روش؟» به قلم سیدعباس حسینی قائم‌مقامی و «جایگاه احزاب در حکومت ولایتی» اثر عبدالحسین خسروپناه به غایت خود می‌رسد. آنجا که این دو مؤلف در تعریف وصف «مفید بودن» به تدقیق پرداخته، شروطی را برای آن قایل می‌شوند. در مقاله نخست، مؤلف ضمن رد این ادعا که سکولاریسم جزو ماهیت جامعه مدنی است، اظهار می‌دارد که اسلام روش مملکت‌داری خاص خود را دارد که می‌تواند به نحو بهتری ویژگی‌های جامعه مدنی کامل را تولید کند. به عبارت دیگر، اسلام خود مولد نوعی جامعه مدنی است که همه چیز آن و از آن جمله احزاب آن - بومی و مطابق با ارزش‌های اسلامی است. مؤلف مقاله دوم، شش شرط اصلی را برای مفید بودن حزب برشمرده است که عبارتند از:

- ۱- پذیرش اصول عقاید اسلامی
- ۲- نداشتن همکاری و مودت با گروه‌ها و جنبش‌های غیراسلامی
- ۳- تلاش در جهت ممانعت از حاکمیت اندیشه سکولار
- ۴- رعایت موازین فقهی، شرعی و اخلاقی
- ۵- رعایت اصل وحدت
- ۶- اعتقاد به حاکمیت خداوند و اطاعت از حاکم اسلامی

در مقاله «تحزب از دیدگاه اسلام» اعظم طالقانی با نگرشی بازتر به احزاب نگاه کرده و مدعی است که صرف مفید بودن تحزب برای اداره بهتر جامعه در عصر حاضر، دلالت بر ضروری بودن تأسیس احزاب دارد. چنانکه از مقاله خانم طالقانی بر می‌آید، در اینجا سخن نه از جواز، بلکه وجوب تأسیس حزب در جوامع دینی است.

گذشته از مقالات فوق به دو مقاله از موسوی لاری و وکیلی نیز می‌توان اشاره داشت که باقبول استدلال اصلی بالا، یکی از بزرگترین دستاوردهای مثبت حضور احزاب، یعنی «بسط حوزه مشارکت مردمی در اداره جامعه»، را تشریح کرده و بدین وسیله حکم به جواز شرعی تأسیس احزاب داده‌اند. سیدمحمدعلی ایازی در «مقدمه‌ای بر شناخت جایگاه تحزب در اسلام» با بیان این مطلب که مهار قدرت، خدمت بزرگی است که احزاب ارائه می‌دهند، تحزب را در چارچوب استدلال حاضر تأیید کرده است. در مجموع، هشت مقاله با محور استدلال اول تحریر شده‌اند که حکایت از اقبال عمومی نویسندگان ما به این روش تأیید دینی تحزب دارد.

استدلال دوم: مبانی تحزب با مبانی دینی و رفتار اجتماعی همسوست.

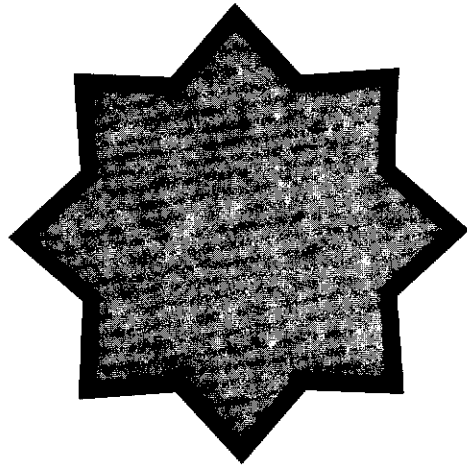
این استدلال از حیث عقلانی و معرفت‌شناختی دارای بنیان محکم‌تری از استدلال نخست است. اما از حیث مقالاتی که به تشریح آن همت گمارده‌اند، کمترین حجم و تعداد را به خود اختصاص می‌دهد. این روش استدلال را دژوود فی‌رحی در مقاله «مبانی فقهی و کلامی حزب در مذهب شیعه» به کار گرفته است. ادعای وی آن است که:

«اگر آزادی، عقل‌گرایی و مسؤولیت فرد در زندگی سیاسی را مهمترین مبانی شکل‌گیری احزاب سیاسی تلقی کنیم [آنگاه باید گفت که] کلام و فقه شیعه در مقایسه با دیگر مذاهب اسلامی بیشترین قرابت و نزدیکی را با مبانی فوق نشان می‌دهد و در عین حال تضمین‌های لازم را برای حفظ و ایمنی دیانت مردم تمهید می‌کند.» (ج ۳، ص ۹۹).

بخش زیادی از این مقاله به تشریح مبانی فوق و تأییدات دینی آنها اختصاص دارد. استدلال سوم: در اسلام، رفتارها و گفتارهایی وجود دارد که مؤید تحزب است.

سیدعباس قدیمی و محمد منصورنژاد با سیری در اصول و مبانی اسلامی به آیات، روایات و یا اعمالی اشاره کرده‌اند که به نحوی مؤید رفتار حزبی‌اند. در «مبانی دینی تحزب در اسلام» مفاهیم بنیادینی چون رقابت، عدالت، مشروعیت، دولت، مردم و امر به معروف و نهی از منکر مورد بحث قرار گرفته و دلالت‌های حزبی آنها توضیح داده شده است. مقاله «مبانی فقهی و کلامی تحزب» به جنبه‌های فقهی مسأله توجه بیشتری دارد و موضوعات مشابهی چون «حکم اولی یا ثانوی بودن حکومت و تحزب»، «امر به معروف و نهی از منکر و تحزب»، «شورا و تحزب» و «عدالت و تحزب» را شامل می‌شود.

استدلال چهارم: قانون اساسی جمهوری اسلامی



علمی باید به گونه‌ای طراحی شود که استدلال‌های مخالف و موافق بتوانند با یکدیگر تضارب داشته باشند و بدین وسیله بهترین راهکار اجرایی استخراج گردد.

۲- ضعف نگرش انتقادی

اگرچه می‌پذیریم که برای شناخت هر پدیده اجتماعی، توصیف یکی از وظایف مهم عاملان اجتماعی به شمار می‌آید، توقف در این مقام به هیچ‌وجه توصیه نمی‌شود. چنین به نظر می‌رسد که جامعه عصر حاضر، جامعه‌ای نقاد است و از این رو اتخاذ گرایش‌های انتقادی در برخورد با موضوعات بسیار مفیدتر خواهد بود. متأسفانه در اثر حاضر «توصیف‌گرایی» غلبه تام و تمام دارد، به گونه‌ای که این روش منجر به تکرار چندباره پاره‌ای از مطالب - مانند تعاریف تحزب و توسعه، انواع حزب و... - در مقاله‌های متعدد و با حجمی زیاد شده است. در حال حاضر، مسأله تحزب مشکل ساده‌ای نیست که با ارایه توصیفات مفصل به خوانندگان و مدح و ثنای آن، حلش را بتوان انتظار داشت. بلکه افزون بر آن، وجود تضادهایی جدی بین فرهنگ حزبی با فرهنگ ایرانی و اسلامی می‌طلبد که آنها را «کشف»، «بررسی» کنیم و در نهایت راه حلی برایشان ارایه دهیم. به عنوان مثال در مجلدات دوم و سوم جای این نگرش انتقادی به شدت خالی است. تأیید حزب یا استناد به عناصری از فرهنگ ایرانی و اسلامی - چیزی که در این دو جلد عمومیت دارد - اگرچه مفید است، لیکن مفیدتر و ضروری‌تر از آن، پیدا کردن مواضع برخورد این دو فرهنگ با فرهنگ حزبی است که به هر حال تاکنون اجازه تأسیس و رشد و نمو احزاب را نداده است. از حیث روش‌شناسی ما به برخوردهای نقادانه‌ای نیاز داریم که نه به مدح و ثنای حزب که به رفع معضلات نظری و عملی آن بپردازد. چنین مقالاتی - که تعداد آنها در این اثر حداکثر به پنج مقاله می‌رسد - می‌توانند کمک مؤثرتری برای دست‌اندرکاران اجرایی باشند. خلاصه کلام آن که، روش علمی تحلیل «تحزب» در این مجموعه بیشتر از آن که انتقادی باشد، توصیفی و جانبدارانه شده است که مناسب نیست.

۳- ضعف نگرش راهبردی

به علت توصیفی بودن روش پژوهشی مؤلفان مقالات، مشاهده می‌شود که در نهایت بیشتر مؤلفان به ارایه راهکار مشخصی که بتواند به نحوی بازوی نظام باشد و راه اجرایی را برایش روشن کند، نپرداخته‌اند. در همایش‌هایی از این قبیل که با هدف استعانت جستن دستگاه اجرایی از جامعه علمی برگزار می‌شود، علاوه بر توصیف و تحلیل، راهکارهایی هم باید ارائه شوند تا نظرها جنبه کاربردی یابند و در ذهن باقی نمانند. حال آن که در کمتر مقاله‌ای می‌توان سراغی از ملاحظات اجرایی گرفت که به شکل راهبردی برای حل مسایل جامعه به وزارت کشور پیشنهاد شده باشد. در این میان، می‌توان به آثار محمد غفوری، ناصر فرشادگهر، حجت‌الله ایوبی، محمود سریع‌القلم، محمدجواد لاریجانی، محمدرضا تاجیک، مصطفی تاج‌زاده، محسن خلیلی، دولت رفتار

جدول شماره ۲ تنوع محتوایی را در مجموع سه کتاب نشان می‌دهد. این واقعیت که ۳۶/۴ درصد از کل مقاله‌های کتاب (بیش از ۲۰ عنوان) مطابق استاندارد مقاله‌های علمی تهیه و ارایه نشده‌اند، حکایت از ضعف محتوایی حجم قابل توجهی از مقاله‌ها دارد.

جدول شماره ۲ تنوع محتوایی در مجموع سه کتاب

گونه	مقاله پژوهشی	سخنرانی	انتزاع
درصد	۶۳/۴	۱۸/۲	۱۸/۲

در ادامه به مهم‌ترین انتقاداتی که از این منظر بر مجموعه حاضر وارد است، نگاهی خواهیم افکند.

۱- مقدمه‌های طولانی، نتیجه‌های اندک

در کتاب نخست، اگرچه هدف در حد «ارایه تعریفی جامع از تحزب و توسعه و سرانجام نتیجه‌گیری و عرضه راهکاری برای شکل‌گیری و تکوین احزاب و فعالیت‌های آنها در کشور» تحدید شده است، اما مشاهده می‌شود که اکثر مقالات در حد ارایه تعریف باقی مانده و به موضوع اصلی چندان توجهی نکرده‌اند. در این میان، مقالات اندکی همچون مقاله ایوبی و سریع‌القلم، را می‌توان سراغ گرفت که نویسنده در آن ضمن ارایه تعریفی از حزب، در مقام پاسخ به پرسش اصلی همایش برآمده باشد. مشکل قبلاً زیر عنوان نگرش انتقادی توضیح داده شد.

۲- نتیجه‌های فراتر از مقدمه

غلبه نگرش توصیفی بر مجموعه حاضر، موجب شده است تا نویسندگان صرف توصیف حادثه‌های تاریخی را استدلال علمی تلقی کنند و ناخودآگاه خواننده را به آنجا رهنمون شوند که برای حل مسأله تحزب در ایران نیز باید همان راه و روش غربی به طور تمام و کمال به اجرا گذارده شود. حال آن که، این نتیجه‌گیری ضرورتاً از توصیف دیدگاه غربی حاصل نمی‌شود. به همین علت است که اکثر نویسندگان مقالات، بویژه در کتاب اول، به شرح دیدگاه غربی بسنده کرده و از ارایه هرگونه راهکاری برای ایران بازمانده‌اند. به عبارت دیگر، اگر بخواهیم مجموعه مقالات مندرج در کتاب اول را از این منظر به نقد بکشیم، کافی است آنها را در مقابل این پرسش قرار بدهیم که: «اگر چه تجربه تحزب در غرب موفق بوده، اما به چه دلیلی وجود دارد که تکرار این تجربه آثار مشابهی در ایران به دنبال داشته باشد؟» ممکن است، یا خیر؟» به نظر می‌رسد که پاسخ به این دو سؤال می‌توانست حداقل بخش عمده‌ای از کتاب «مبانی نظری و آموزه‌ها» را به خود اختصاص دهد. حال آن که کمترین اشاره‌ای به آن نشده است.

۳- طرح موضوعات به شکل پیچیده و یا ناقص

بیان ساده و در عین حال دقیق و جامع، برای هر سخنران و یا نویسنده یک موهبت است رعایت این دو ویژگی کار انتقال معنا را آسان می‌سازد و به تحقق هدف نویسنده کمک می‌کند. با مرور مقالات موجود معلوم می‌شود که به رغم وفاداری بیشتر نویسندگان به این

در بدنه هرم اجتماعی،

مواعی مانند افراط‌گرایی، تقدیر‌گرایی،

خرافه‌گرایی، حاکمیت گفتمان آمریت،

فقدان تساهل، خشونت ورزی و

سیاست‌گریزی در برابر

شکل‌گیری و توسعه احزاب

وجود داشته است

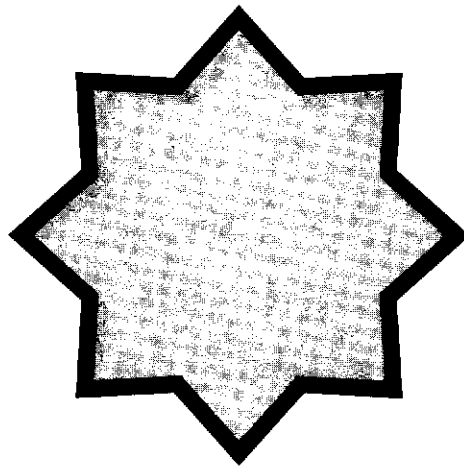
حقیقی و قاسمی اشاره داشت که ارزش راهبردی داشته و گذشته از صحت یا سقم روش پیشنهادی، توانسته‌اند راه حل‌هایی را ارایه دهند.

ب- نقد محتوا

بررسی محتوایی اثر حاضر از آن حیث که مقالات مندرج در یک حد و سطح نیستند، مشکل است. با مراجعه به محتوای ۵۵ مقاله موجود، معلوم می‌شود که این نوشته‌ها ترکیبی از سخنرانی، اقتراح و مقالات پژوهشی‌اند که در بررسی انتقادی سه‌گونه متفاوت را شامل می‌شوند و نمی‌توان همه آنها را با روش واحد به نقد کشید. با مراجعه به جدول شماره یک، معلوم می‌شود که جلد سوم، در مقایسه با مجلدهای اول و دوم، از این حیث دارای تنوع بیشتری است و کار نقد را با مشکل مواجه می‌سازد.

جدول شماره ۱ محتوای مجلدات سه گانه با توجه به درصد گونه‌های مختلف اش

گونه‌ها	کتاب اول		کتاب دوم		کتاب سوم	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
مقاله علمی پژوهشی	۱۰	۷۱/۵	۱۵	۷۱/۵	۵۰	۱۰
سخنرانی	۲	۱۲/۲۵	۲	۱۲/۲۵	۲۵	۵
انتزاع	۲	۱۲/۲۵	۳	۱۲/۲۵	۲۵	۵
مجموع	۱۴	۱۰۰	۲۱	۱۰۰	۱۰۰	۲۰



اصل، نویسندگان معدودی به این امر ملتزم نبوده‌اند. به عنوان مثال مقاله «پشتوانه فلسفی احزاب سیاسی در غرب» دچار نوعی مغلق‌گویی شده است و در آن، حتی ساده‌ترین مسایل در قالب واژه‌های غریبی آمده‌اند که فهم متن را برای خواننده دشوار می‌سازد. این پیچیدگی از آنجا که ریشه در ماهیت پیچیده موضوع ندارد، نمی‌تواند مورد قبول و پسندیده باشد. در مقاله «زندگی سیاسی - احزاب سیاسی»، مؤلف به بیان گونه‌های مختلف احزاب در غرب پرداخته است که اگرچه در این حد ایرادی بر او وارد نیست، اما متأسفانه در انتهای مقاله قسمتی را به دیدگاه اسلامی اختصاص داده که به علت مجال اندک مقاله، به شکلی ناقص ارایه شده است. این نقصان، کل تحلیل مؤلف را تضعیف کرده و برای خواننده‌ای که با دیدگاه اسلامی چندان آشنایی ندارد، گمراه‌کننده است. به همین ترتیب، می‌توان به مقاله «نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه و حزب» اشاره داشت که در آن، مؤلف بدون رعایت انسجام منطقی، از هر موضوعی به تفریق سخن گفته و بدین ترتیب ساختار ذهنی خواننده را برای نتیجه‌گیری دچار آشفتگی ساخته است. همین اشکال به مقاله‌های «مبانی فقهی و کلامی حزب»، «جایگاه احزاب در حکومت ولایت» و «امتناع مبانی فقهی و کلامی در حزب» وارد است که در آنها، مؤلفان ضمن خروج از موضوع اصلی مقاله، به طرح مسایلی همت گمارده‌اند که جایگاه آن‌ها در مقاله مشخص نیست و جز افزودن بر میزان خطای علمی نتیجه دیگری ندارد. «شعاری شدن» شیوه تحلیل و نگارش بعضی از مؤلفان، نکته دیگری است که به نقصان محتوایی مقاله‌ها منجر شده است. مطالعه مقاله «مبانی فقهی و کلامی حزب» (به ویژه صفحات ۱۳۰ تا ۱۳۳ کتاب سوم) مؤید این مدعاست.

۴- ضعف نوآوری

از جمله ایرادهایی که به ویژه در کتاب دوم به چشم می‌خورد بیان تکراری برخی دیدگاه‌ها است. مؤلفان مقالات در مقام بیان موانع موجود در مقابل توسعه و حزب در ایران، همگی به ذکر مطالبی پرداخته‌اند که خوانندگان علاقه‌مند به این موضوع با آنها آشنایند و از این حیث داده جدیدی به خواننده منتقل نمی‌شود. این امر حکایت از وجود نوعی ایستایی در جریان پژوهش‌های بومی دارد. از مجموع ۲۱ مقاله موجود در این مجلد، تنها پنج مقاله از حد گفته‌های رایج فراتر رفته و به نوعی نوآوری دست زده‌اند (مقالات تاج‌زاده، تاجیک، حقیقی، حسینی و قاسمی) و بقیه مشمول حکم بالا می‌شوند. اگرچه این ویژگی در دو کتاب دیگر هم وجود دارد، اما نمود آن بسیار کمتر است. نتیجه آن که، متأسفانه یکی از کانون‌های مهم ایجاد توسعه که اندیشه‌گران و جامعه علمی ما باشند، زاینده‌گی فکری مورد نیاز را ندارد و باید ترتیبی اتخاذ کرد که به نحوی پویا شود.

۵- ضعف در استدلال

جنجال برانگیزترین مجلد این مجموعه، کتاب سوم

توفیق نظام جمهوری اسلامی ایران در ایجاد همگرایی میان دو مؤلفه جمهوریت و اسلامیت، زمینه‌ای مناسب برای عملکرد احزاب در آینده فراهم خواهد کرد

است که به مسأله حساس و مهم «اسلام و حزب» پرداخته است. مقالات این کتاب اگرچه از حیث موضوعی تازه می‌نماید ولیکن در مقام استدلال از استحکام لازم برخوردار نیست. از آنجا که زیربنای فکری حکومت اسلامی را ایدئولوژی اسلامی تشکیل می‌دهد، توقع می‌رفت که پژوهشگران اسلامی با حساسیت بیشتری به مقوله حزب پرداخته، از بیان مدعیات در قالبی «کلی» خودداری ورزند. از جمله این موارد می‌توان به نکات زیر اشاره داشت:

- ۱- ۵- استناد به وجود واژه‌هایی چون «حزب»، «فئه» و «فرقه» در قرآن کریم و اینکه وجود این واژه‌ها دلالت بر جایگاه مثبت احزاب در اندیشه سیاسی اسلام دارد. (ج ۳، ص ۱۷). حال آن که معنای مصطلح حزب با آنچه از واژه‌های مشابه در اندیشه اسلامی اراده شده، متفاوت است.
- ۲- ۵- تشبیه تنوع احزاب به تنوع اجتهادها (ج ۳، ص ۲۷) آن هم بدون ارایه استدلال محکمی که بتواند چنین شباهتی را تأیید کند.
- ۳- ۵- خلط بین دموکراسی (مردم سالاری) و جامعه مدنی (ج ۳، ص ۳۴)
- ۴- ۵- طرح گزاره‌هایی که به طور مشخص مبتنی بر دور است، و نتیجه‌گیری براساس آن. مانند: «هر وسیله مفیدی که زمینه‌های تکامل جامعه و توسعه سیاسی را فراهم کند و ممنوعیت شرعی نداشته باشد،

مورد تأیید اسلام است» (ج ۳، ص ۷۸)

«ممنوعیت شرعی نداشته باشد» همان معنای «مورد تأیید اسلام بودن» است و به لحاظ منطقی «دور» است. ۵- ۵- طرح ادعای «تأیید شرعی احزاب» آن هم بدون ارایه حداقل یک استدلال عقلی یا نقلی، در مقاله «مبانی فقهی حزب در اسلام» و تکرار مدعا در هریک از بندهای نوشتار.

۶- ۵- خلط بین تأیید حزب در اسلام با تأیید آن از سوی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (ج ۳، ص ۹۲ و ۱۸۹)

به جز مقاله فیرحی، به نظر می‌رسد که استدلال‌های مطرح شده در سایر مقالات مبنای دقیق علمی نداشته و از این منظر محل بحث جدی است. ج- نقد صورت

به جز موارد یاد شده، مشکلاتی نیز در مورد صورت بندی و شیوه تحریر مقالات وجود دارد که قابل توجه است:

- ۱- به کارگیری واژگان غریب که فهم متن را دشوار می‌سازد. مانند «متلفان» (ج ۱، ص ۲۳) یا «آخوند و کراسی» (ج ۱، ص ۳۱ و ۳۳).
- ۲- یکدست نبودن پاورقی‌ها، به گونه‌ای که بعضی از معادل‌ها در درون متن و برخی در پاورقی آمده‌اند. در ضمن، شیوه ارجاع به منابع نیز یکدست نبوده و هر مولفی بنا به ذوق و سلیقه خود عمل کرده است.
- ۳- مهمترین ایراد ظاهری وارد بر مجلد‌های سه‌گانه اثر حاضر، فقدان نظم منطقی و تقسیم‌بندی مقاله‌های هر جلد مطابق آن است. متأسفانه، در هر جلد، مقاله‌ها بدون معیار مشخصی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. حال آن که حجم زیاد مقاله‌ها می‌طلبد به نحوی آنها را تقسیم‌بندی و مطالعه آنها را برای خواننده تسهیل کنیم. تقسیم‌بندی پیشنهادی در نوشتار حاضر با توجه به محتوای مقاله‌ها صورت پذیرفته است.

د- نتیجه‌گیری

مجلدات سه‌گانه «حزب و توسعه سیاسی» را باید اثری درخور توجه و تقدیر ارزیابی کرد که بی‌تردید جزو آثار ماندگار وزارت کشور به شمار می‌آید. این مجموعه، از آن حیث که جمع زیادی از پژوهشگران و استادان را به همکاری فراخوانده است، در نوع خود بی‌نظیر و یا حداقل کم‌نظیر ارزیابی می‌شود و نشان‌از جدی بودن نظام سیاسی در حل عالمانه مسایل کشور دارد. باتوجه به هدف‌های خوب ناشر و جمع استادان حاضر در همایش، به نظر می‌رسد تقویت هرچه بیشتر این روند، وظیفه همه اعضای جامعه علمی ایران باشد. در همین راستا نوشتار انتقادی حاضر با برشمردن برخی از کاستی‌های موجود، سعی کرده است به نحوی به دست‌اندرکاران امر کمک کند و زمینه مناسبی را برای اجرای طرح‌های بعدی فراهم آورد. امید آنکه در آینده شاهد استمرار هرچه بهتر و علمی‌تر این جریان باشیم.